

## نکاتی درباره انتخابات خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا

محمود بهنام

و دیگران را هم به این کار تشویق کنند و، متقابلاً، اجازه داشته باشند که نامزدهای تأیید شده‌ای برای انتخابات شوراهای اسلامی (خصوصاً در شهرهای بزرگ) معرفی کرده و سهمی از کرسیهای این شوراها را به دست آورند. بر این اساس، جناح رفسنجانی در انتخابات خبرگان فعال بوده و نقشی هم در تعیین فهرست ارائه شده به وسیله «جامعتین» (جامعه روحانیت مبارزه و جامعه مدرسین حوزه) برای مجلس خبرگان برعهده داشت. و آن دسته از طرفداران خاتمی هم که لیست جداگانه‌ای برای این انتخابات ارائه نکردند، از فهرست مذکور حمایت نمودند. اما طرفداران گروه احمدی نژاد لیستی از نامزدهای خبرگان داده بودند که هرچند اغلب آنها همان افراد فهرست «جامعتین» بود ولی، مثلاً، در استان تهران «منهای هاشمی (رفسنجانی) و (حسن) روحانی» بود، اکثر نیروها و جریان‌های اپوزیسیون رژیم، در داخل و خارج کشور، در جهت تحریم و یا عدم شرکت در انتخابات ۲۴ آذر موضع‌گیری کرده بودند. برخی از گروه‌ها و جریان‌های داخلی، مانند «سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی» (ادوارتحکیم وحدت) نیز موضع‌گیری مشخصی درباره شرکت یا عدم شرکت در این انتخابات نکرده و تنها (در مورد شوراهای اسلامی) توصیه به عدم رأی به «اقتدار گریان» کرده بودند.

۳- در مورد تعداد شرکت کنندگان و میزان مشارکت در این انتخابات، به روال مرسوم، و حتی پیش از آن که آمار رسمی در این باره منتشر شود، صحبت از «حضور پر شکوه» مردم، خلق «حماسه‌ای دیگر، «دل‌سردی دشمنان» و... از جانب گردانندگان و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم بود. رسانه‌های حکومتی از شرکت ۲۸ یا ۳۰ میلیون نفر در انتخابات و نسبت مشارکت ۶۰ درصدی واجدین شرایط، حرف می‌زدند، در حالیکه با گذشت سه روز از پایان رأی‌گیری، هنوز تعداد کل آرا هم رسماً اعلام نشده بود. تأخیر در اعلام ارقام و نتایج رسمی نیز، جدا از دعوای درونی برای دستکاری و جابجایی آرای مأخوذه، بیانگر ترفند دیگری برای جا انداختن تبلیغات رژیم در مورد «حضور با شکوه» بود. اگرچه برگزاری همزمان دو انتخابات، و ویژگیهای رقابتها و مسائل محلی مؤثر در انتخابات شوراهای اسلامی شهرها و روستاها می‌تواند عاملی برای کشاندن بخشی از رأی دهندگان به حوزه‌های رأی‌گیری باشد (و بر همین اساس، در بسیاری از حوزه‌ها هم مجریان انتخابات، شرکت کنندگان را ناگزیر به اخذ

انتخاب ۸۶ نماینده مجلس خبرگان تأیید شدند. بدین ترتیب، در برخی از استانها، تعداد داوطلبان تأیید شده برابر با تعداد سهمیه نمایندگان آنها بوده و، در واقع، هیچ انتخابی در کار نبود. لکن، برای حفظ ظاهر، شورای نگهبان چند تن از نامزدهای تأیید شده را از جاهای دیگر به آن استانها اعزام کرد! چنان که مثلاً در استان گلستان، که تعداد داوطلبان تأیید شده باقی مانده فقط دو نفر و معادل تعداد نمایندگان این استان بود، شورای نگهبان دو نفر دیگر از کاندیداهای سایر استانها را به آنجا اعزام داشت. در میان نامزدهای شورای اسلامی شهرها و روستاها نیز، گروه زیادی و از جمله عده‌ای از چهره‌های سرشناس اصلاح طلبان حکومتی، توسط هیاتهای اجرایی و نظارت در مرحله بررسی «صلاحیت»، حذف شدند. با هم طبق سنت معمول جمهوری اسلامی، چند روز پیش از برگزاری انتخابات، سن قانونی انتخاب کنندگان (در انتخابات شوراهای اسلامی) توسط مجلس رژیم از ۱۵ سال به ۱۷ سال افزایش یافت.

۲- یکی از شگردهای گردانندگان جمهوری اسلامی در این باره، «تجمیع انتخابات» یا برگزاری همزمان انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی در ۲۴ آذر بود. زیرا که، بر مبنای مدت دوره نمایندگی، انتخابات خبرگان می‌بایست یک ماه پیش از آن، و انتخابات شوراهای اسلامی سه ماه پس از آن (اسفند ۱۳۸۵) برگزار می‌شد. (ضمناً، پیشنهاد وزارت کشور دولت احمدی نژاد هم، در ابتدا، این بود که هر دوی این انتخابات، به علاوه انتخابات مجلس هشتم، در سال آینده برگزار شده و «کلک» هر سه انتخابات یکجا کنده شود!). در هر حال، از آنجا که انتخابات خبرگان رژیم همواره با بی‌اعتنای غالب مردم روبرو بوده و انتخابات شوراهای اسلامی در دوره پیشین هم با کمترین اقبال رأی دهندگان مواجه شده بود، نیت اصلی سردمداران حکومتی از این «تجمیع» تلاش برای گرم کردن «تور انتخابات» بود و در این زمینه هم توافق ضمنی بین جناحهای رقیب درون حکومتی صورت گرفته بود. مبنای این مصالحه درونی جهت بالا بردن میزان مشارکت در انتخابات، آن بود که دار و دسته رفسنجانی و اصلاح طلبان حکومتی فعلاً در انتخابات خبرگان شرکت جسته

برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی به نمایشی تکراری تبدیل شده است. آنچه از دور به چشم اغلب ناظران، یعنی «غیرخودیها»، بیشتر به مضحکه می‌ماند، از نگاه «خودیها»، یعنی حکومتیها، معرکه‌ایست سخت، که هر از چندگاهی آنها را به رویارویی و زورآزمایی فرا می‌خواند. انتخابات چهارمین دوره مجلس «خبرگان» رژیم، انتخابات سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، و انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس رژیم (در سه حوزه تهران، اهواز و بم)، که به طور همزمان در ۲۴ آذر برگزار گردید نیز از این قاعده مستثنی نبودند. این انتخابات هم اساساً غیردمکراتیک و بیگانه با اراده آزاد و خواسته‌های واقعی اکثریت وسیع مردم ایران بودند. در واقع، رژیم حاکم که با مقوله انتخابات آزاد، رقابتی و سالم هیچگونه سازگاری ندارد، خود را ناگزیر از برگزاری دوره‌ای چنین نمایشنامه‌هایی می‌بیند تا، به تصور خود، هم مشروعیتی برای خود در انظار داخلی و خارجی کسب کند و هم، به صورت مقطعی، کشمشکهای پایان‌ناپذیر دستجات درونی خود را فیصله بدهد. بنابراین، تنها «رقابت» موجود در این گونه انتخابات، در میان «خودیها» است که آن نیز، طبق شواهد و عملکردهای موجود منصفانه نیست. با اینهمه، تدارک، برگزاری و نتایج آن چیزی که به نام انتخابات عرضه می‌شود، بر سرنوشت توده‌های مردم و آینده جامعه ما بی‌تأثیر نبوده و نیست، و تغییرات و جابجایی‌هایی که از رهگذر این انتخابات در توازن قوای درون حکومتی حاصل می‌شود، طبعاً بر مسیر تحولات آتی تأثیر می‌گذارد، از این رو نیز نکات و ملاحظات زیر پیرامون انتخابات ۲۴ آذرماه مطرح می‌شود.

۱- این انتخابات نیز، طبق معمول، مصون از «انتخابهای» پیش از انتخابات، یا حذف و رد «صلاحیت» تعداد زیادی از نامزدها به وسیله شورای نگهبان، هیاتهای نظارت (که در مورد انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، در اختیار اکثریت مجلس است) و هیاتهای اجرایی (وزارت کشور) نبود. در انتخابات مجلس خبرگان، نزدیک به ۵۰۰ نفر نامزد شده بودند که صلاحیت حدود ۲۴۰ نفر از آنها (و از آن جمله سه تن از نمایندگان فعلی این مجلس) رد شد و، نهایتاً، حدود ۱۵۰ نفر جهت

برگه رأی و شرکت در انتخابات خبرگان، و سپس رأی دادن در انتخابات شوراهای اسلامی می‌کردند) و هرچند که، به گفته شاهدان عینی در حوزه انتخابیه تهران، رجزخوانیها و ادا و اطوار آدمهای خامنه‌ای و احمدی نژاد، در همان روز اخذ آراء، گروه‌هایی از مردم را تحریک به مقابله و دهن کجی به آنها و حضور در پای صندوقها کرد، میزان مشارکت اعلام شده به وسیله مسئولان حکومتی مغایر با واقعیات و کاملاً اغراق آمیز است. به عنوان مثال، بر پایه آمار اعلام شده توسط وزارت کشور (در خرداد ۱۳۸۴) تعداد دارندگان حق رأی در استان تهران بیش از ۸/۲ میلیون نفر بوده، و کل آرای مأخوذه در انتخابات خبرگان این استان، به گفته وزیر کشور، حدود ۲/۱ میلیون رأی بوده که میزان مشارکتی در حدود ۲۵ درصد را به دست می‌دهد. تعداد واجدین شرایط در شهر تهران، در همان تاریخ ۵/۵ میلیون نفر بوده، در حالیکه رقم رسمی کل آرای اخذ شده در انتخابات شورای اسلامی تهران حدود ۱/۸ میلیون رأی بوده است. نمونه دیگر شهر تبریز است که دارندگان حق رأی در آن بیش از ۱/۱ میلیون بوده ولی عده شرکت کنندگان در انتخابات شورای اسلامی آن، در ۲۴ آذر، حدود ۳۸۰ هزار نفر اعلام گردیده است. گذشته از اینها، به گزارش خود وزارت کشور، در تعدادی از حوزه‌ها، به ویژه در برخی از روستاها، به دلیل نبود داوطلب به تعداد کافی و یا حذف بخشی از داوطلبان، تعداد نامزدها کمتر از نمایندگان شوراهای محلی بوده و بنابراین انتخاباتی برگزار نشده است.

۴- تقلبات و تخلفات آشکار در جریان تدارک، برگزاری، اخذ و شمارش آراء نیز کماکان یکی از ویژگیهای این انتخابات بوده، هرچند که چنین نمایشهای انتخاباتی، اساساً، محدود و منحصر به حوزه «خودپها» بوده و هست. مسئول و ناظر و، در واقع، همه‌کاره انتخابات مجلس خبرگان و میان‌دوره‌ای مجلس، از ابتدا تا انتها، شورای نگهبان بوده که عملکرد ضد دموکراتیک و جانبدارانه آن کاملاً آشکار بوده و نیازی به توضیح بیشتر ندارد. دستکاری در شمارش آرای خبرگان استان تهران چنان آشکار بوده که مثلاً همزمان با شمارش آرای تعداد بیشتری از صندوقها، تعداد آرای بعضی از کاندیداها کاهش می‌یافته، و مضحکه این انتخابات را به خوبی برملا می‌کرده است. مسئولیت برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی در این دوره با وزیر کشور، مصطفی پورمحمدی (معاون سابق فلاحیان) و رئیس «ستاد انتخابات وزارت کشور»، معجبی هاشمی ثمره (مرشد حزب‌اللهی احمدی نژاد) بود. تأخیر طولانی در اعلام ارقام و نتایج شمارش آراء،

همان طور که اشاره شد، راه ندادن ناظران برخی جریانات و کاندیداها به حوزه‌های رأی و یا شمارش آراء، باز شدن پلمب تعدادی از صندوقها، تقلبات توسط «عناصر غیرمسئول» و . . . از جمله موارد دخالتها و تخلفات مسئولان بوده که در مطبوعات حکومتی نیز بازتاب یافته است. در این دوره، شمارش آرای انتخابات شوراهای اسلامی به صورت رایانه‌ای (با استفاده از کامپیوتر) صورت گرفته و همین نیز خود وسیله‌ای برای دستکاری بیشتر شده است. به گزارش رسانه‌های داخلی، تعدادی از صندوقهای رأی در جریان انتقال از حوزه‌ها به مراکز شمارش رایانه‌ای گم شده و صدای اعتراض مهدی کروبی را بلند کرد که گفت: «از نکات عجیب این انتخابات این بود که صندوقهایی که به سائتهایی باید انتقال داده می‌شد، مدتی گم و بعد از مدتی پیدا شدند. سؤال اینجاست که مگر صندوق رأی تغار ماست است که گم و بعد از مدتی پیدا شود؟!»

۵- درباره نتایج این انتخابات و توزیع کرسیها هم، ادعاهای متناقضی از سوی دستجات مختلف رژیم مطرح شده و می‌شود. وزیر کشور دولت احمدی نژاد مدعی است که در انتخابات شوراهای اسلامی، «اصولگرایان» در کل کشور حائز اکثریت شده و در مراکز استانها ۷۰ درصد آراء را به دست آورده‌اند. اما مرتضی حاجی، سخنگوی «ستاد ائتلاف اصلاح طلبان» ادعا می‌کند که این «ائتلاف» ۴۰ درصد تعداد انتخاب شدگان در ۳۲۵ شهر را به خود اختصاص داده است. در این میان، آنچه مسلم به نظر می‌رسد اینست که طیف اصلاح طلبان حکومتی (یا «جبهه دوم خرداد») که در اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی اکثریت این شوراها از آن خود کرده و در دومین دوره انتخابات آنها، یا خود کنار کشیده و یا با خفت و خواری کنار گذاشته شده بودند، در این دوره توانسته‌اند نمایندگانی را به شوراهای اسلامی شهرهای بزرگ (و از جمله تهران) بفرستند، هرچند که اکثریت غالب این نهادها همچنان در اختیار دار و دسته‌های مختلف جناح خامنه‌ای (شامل جنتی، «مؤتلفه»، قالیباف، چمران، احمدی نژاد و غیره) باقی مانده است. قابل توجه است که در بسیاری از شهرها که ترکیب آرای منتخبین اعلام گردیده، افراد انتخاب شده با نسبت بسیار پایینی از آراء به شوراها راه یافته‌اند. در تهران، تعداد آرای نماینده اول شورای اسلامی شهر فقط حدود ۶۰۰ هزار رأی، یعنی ۱۰ تا ۱۲ درصد واجدین شرایط، طبق آمار رسمی بوده است. نکته قابل توجه دیگر در شرایط حاکم بر جامعه، انتخاب تعدادی از داوطلبان زن، از جناحهای مختلف، به عنوان نماینده اول شوراهای

اسلامی، در شهرهای شیراز، اراک، اردبیل و برخی جاهای دیگر بوده است.

۶- نتایج انتخابات چهارمین دوره خبرگان حاکی از آنست که، صرف نظر از کنار گذاشته شدن چند تن از وابستگان جناح اصلاح طلب، تغییر چندانی در ترکیب این نهاد به وقوع نپیوسته است و اکثریت وسیع آن را همچنان آخوندهای حامی و طرفدار «رهبر» تشکیل می‌دهند. در واقع، همان فهرستی که به وسیله «جامعتین» با توافق و تئانی سردمداران اصلی رژیم تعیین و ارائه شده بود، اکثریت غالب خبرگان را در اختیار دارد. سؤال اصلی راجع به ترکیب این مجلس، در انتخابات اخیر، درباره حفظ و یا حذف رفسنجانی و همفکران وی از این نهاد بود. به عبارت دیگر، بعد از رسوایی گسترده انتخابات ریاست جمهوری در خرداد سال گذشته و شکایت رفسنجانی به «خداوند»، مسئله این بود که آیا جناح غالب رژیم، در تلاش برای یکدست تر کردن آن، اقدام به بیرون راندن رفسنجانی و طرفدارانش از مجلس خبرگان خواهد کرد یا نه؟ چگونگی تدارک و نتایج این انتخابات نشان می‌دهد که جناح خامنه‌ای، با توجه به ملاحظات داخلی و درگیری‌های خارجی جمهوری اسلامی، نخواسته و یا نتوانسته است نایب رئیس خبرگان را کنار بگذارد و، به علاوه، تقلاهای دسته احمدی نژاد هم در این زمینه به جایی نرسیده و بلکه نتیجه معکوس به بار آورده است. هاشمی رفسنجانی با حدود ۱/۵ میلیون رأی به عنوان نماینده اول خبرگان در استان تهران (با بیش از ۵۰۰ هزار اختلاف رأی با نفر دوم، امامی کاشانی) معرفی گردیده است. مصباح یزدی با ۸۸۰ هزار و حسن روحانی با ۸۴۴ هزار رأی به عنوان نفرات ششم و هفتم، و محمد حسن مرعشی با حدود ۵۱۸ هزار رأی به عنوان نفر شانزدهم خبرگان در این استان اعلام شده است. قابل توجه است که آرای ۱/۵ میلیونی رفسنجانی، به عنوان نفر اول خبرگان، نیز حتی به ۲۰ درصد کل دارندگان حق رأی در حوزه استان تهران نمی‌رسد.

۷- در این انتخابات، ائتلاف وسیعی بین دستجات حکومتی رفسنجانی و خاتمی و کروبی شکل گرفت. این دسته‌ها که در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری سه نامزد جداگانه (رفسنجانی، معین و کروبی) به میدان آورده بودند، در این زورآزمایی درونی رژیم کوشیدند که نیروهای خود را متمرکز سازند و بدین منظور «ستاد ائتلاف اصلاح طلبان» را در شهریورماه گذشته تشکیل داده و به تهیه فهرست مشترک کاندیداها برای انتخابات شوراها در شهرهای مختلف پرداختند. در تهران نیز لیست واحد ۱۵ نفره‌ای از طرف «جبهه مشارکت» «حزب کارگزاران سازندگی» و «حزب اعتماد ملی» و دیگر گروه‌های وابسته به این «ائتلاف»، ارائه شد.

۸- این «ائتلاف»، چنانکه در بالا اشاره شد، توانست تعدادی از نامزدهای خود را وارد شوراهای اسلامی کند و در همین حال آرای قابل ملاحظه‌ای را هم

## گرانی جزء اهداف است.

بقیه از صفحه ۸

«سردار» عزت‌الله ضرغامی، که دو سال پیش با حکم رهبری، به جای علی لاریجانی، به ریاست صدا و سیما رژیم گمارده شده است، در پاسخ اظهارات احمدی نژاد در مورد «جو سازی» این «رسانه ملی»، گفت: «در صحبت‌های رئیس جمهور این گونه بود که صدا و سیما باید قیمت سکه را همان قیمتی که بانک مرکزی به صراف‌ها می‌دهد اعلام کند، اما از نظر ما قیمت سکه آن چیزی است که در خیابان‌ها در بین مردم خرید و فروش می‌شود»، و افزود که وقتی «قیمت رسمی گوشت کیلویی ۳۰۰۰ تومان اعلام می‌شود اما مردم گوشت را با قیمت ۵۵۰۰ یا ۶۰۰۰ تومان می‌خرند، این چیزی است که نمی‌توان به مردم اعلام کرد می‌توانید گوشت کیلویی ۳۹۰۰ تومان بخرید». یکی از نمایندگان مجلس رژیم، در اشاره به ادعاهای دولت درباره کنترل افزایش قیمت‌ها، اعلام کرد: «دولتمردان زیب دهانشان را ببندند و در مورد گرانی حرف نزنند». نماینده‌ای دیگر در این باره گفت: «آنها که منکر گرانی می‌شوند یک روز خودشان خرید کنند» و یکی از علل افزایش قیمت‌ها را نیز «عملکرد ضعیف وزارت بازرگانی» دانست. اما وزارت بازرگانی که طرح «ضیافت» را برای مقابله با گرانی در ماه رمضان تدارک دیده بود که، در عمل، با شکست کامل روبرو شد، به نوبه خود، «اصناف» را مسئول گرانی‌ها معرفی کرد. این نیز با واکنش سریع متولی اصناف کشور مواجه گردید که خود دولت را مسئول گرانی‌ها اعرام کرد...

پر واضح است که هیچ کدام از آنها نه «راه حل» جدی برای گرانی دارند و نه قصد اجرای آن را دارند. دولتی که خود بانی و باعث تشدید تورم و ایجاد موج تازه گرانی است، طبعاً نمی‌تواند با آن مقابله کند. حداکثر آنست که کنترل مقطعی بر قیمت این یا آن کالا برقرار می‌شود، بگير و ببند دوباره «گرانفروشان» و «تعزیرات» راه می‌افتد (و تحت همین عنوان هم، در فساد فراگیر حاکم، عده‌ای دیگر از مسئولان و مأموران دولتی به نان و نوا می‌رسند) و... ولی تورم افسارگسیخته قیمت‌ها، با همه عواقب دردناک آن، ادامه می‌یابد. تورم قیمت‌ها، در واقع، نوعی مالیات غیرمستقیم است که از مزد و حقوق بگیران اخذ می‌شود، بدون آن که عنوان «مالیات» را داشته باشد و یا طبق قانون معینی وضع شده باشد. به واسطه تورم قیمت‌ها، هر ساله و یا هر ماهه به اندازه نرخ تورم از قدرت خرید نازل کارگران، زحمتکشان، کارمندان، بازنشستگان و دیگر حقوق و مستمری بگیران، کاسته می‌شود و به جیب سرمایه‌داران، تجار و دلالان و خود دولت (که عرضه کننده بخشی از کالاها و خدمات نیز هست) سرازیر می‌گردد. بدین ترتیب، در اثر اجرای سیاست‌های دولتی که فریبکارانه وعده «آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم» را می‌داد، بخش دیگری از باقیمانده سفره ساده و کوچک اکثریت مردم نیز از آن ربوده می‌شود.

دیگری با عنوان «رایحه خوش خدمت» برای حوزه‌های مختلف (از جمله تهران، که پروین احمدی نژاد، خواهر رئیس جمهوری در رأس آن بود) عرضه کردند. دسته‌ای دیگر از «اصولگرایان»، به منظور سازش میان دو دسته فوق، فهرست ثالثی با نام «پیروان خط امام و رهبری» تهیه کردند. اما مصالحه میسر نشد و دستجات جناح غالب، با سه لیست نسبتاً متفاوت، در انتخابات شرکت جستند. اگرچه فهرست گروه احمدی نژاد توانست در برخی از حوزه‌ها، تعدادی از کاندیداهای اختصاصی خود را (در تهران، سه نفر) به شوراهای اسلامی بفرستد، اما در مجموع، این حرکت دسته احمدی نژاد با شکست آشکار نه فقط در مقابل سایر «اصولگرایان» بلکه، در برخی جاها، در برابر «ائتلاف اصلاح طلبان» نیز روبرو گردید. این شکست، طبعاً به تضعیف بیشتر موقعیت این دسته در درون دولت ائتلافی موجود منجر خواهد شد. از جمله شواهد آن اینست که قالیباف، شهردار تهران، و همفکران وی در ارگانهای دیگر، بعد از انتخابات تابلوی دیگر را به عنوان «جریان سوم» با نام «اصولگرایان اصلاح طلب» بالا برده و طالب سهم بیشتری در قدرت و امکانات حکومتی شده و از هم اکنون برای انتخابات مجلس هشتم در سال آینده، خیز برداشته‌اند. لکن برخلاف برخی تفسیرها و ارزیابیهای شتابزده تحلیلگران و یا رسانه‌های خارجی، نمی‌توان این شکست دارودسته احمدی نژاد را معادل شکست جمهوری اسلامی و یا «پیروزی» مردم تلقی کرد. کسانی که در برابر باخت این دسته «برنده» شده‌اند، چنان که دیدیم، دیگر رقبای «اصولگرایان» احمدی نژاد و، در بهترین حالت، آدمهای رفسنجانی و یا طرفداران خاتمی هستند. جناح غالب رژیم، هر چند نتوانسته است روند یکدست کردن بیشتر ارگانهای حکومتی را به دلخواه خویش پیش ببرد ولی از قدرت اعمال نفوذ، شورای نگهبان، هیأت‌های اجرایی و نظارت، امکانات انحصاری و... به اندازه کافی برخوردار است تا دیگر عناصر و افراد وابسته به خود را از صندوقهای رأی بیرون بیاورد و نه فقط مجلس، دستگاه اجرایی و دستگاه قضایی بلکه اکثریت مجلس خبرگان و اکثریت غالب شوراهای اسلامی شهر و روستا را همچنان در چنگ خود نگهدارد. اگرچه تشدید اختلافات درونی دستجات حاکم، می‌تواند نهایتاً به نفع مردم و اپوزیسیون رژیم باشد، ولی اگر بتوان از پیروزی مردم در این مضحکه یا معرکه انتخاباتی رژیم سخن به میان آورد، این پیروزی بی‌تردید در این نکته نهفته است که بیش از نیمی از دارندگان حق رأی از شرکت در این نمایش انتخاباتی سرباز زدند.

برای رفسنجانی و روحانی و برخی دیگر از کاندیداهای وابسته به خود در انتخابات خبرگان فراهم نماید. نکته قابل توجه در این «ائتلاف»، چیرگی رفسنجانی و جریان‌های طرفدار وی در آنست. بعد از رانده شدن یا کنار کشیدن اصلاح طلبان حکومتی رادیکال، چنین به نظر می‌رسد که «سردار سازندگی» توانسته است بخش بزرگی از باقی مانده «میانه رو» آنها را نیز تحت سیطره خویش درآورد. این نکته از فهرست مشترک نامزدهای معرفی شده به وسیله این «ائتلاف»، پیداست و سخنان خاتمی نیز درباره نتایج انتخابات اخیر به اندازه کافی گویاست. رئیس سابق جمهوری با اعلام اینکه «حیف است شیرینی حضور ۲۸ میلیونی مردم در انتخابات را با شبهات به کام مردم تلخ کنیم»، در مورد انتخابات مجلس خبرگان گفت: «آقای هاشمی شخصیت بزرگی است و نقش وی در انقلاب انکار ناپذیر است. در انتخابات ریاست جمهوری تخریبی‌هایی علیه ایشان انجام شد که شایسته نبود. اما در انتخابات... خبرگان رأی بالا به آقای هاشمی رفسنجانی و فاصله آرای وی با دیگران نشان داد که ایشان مورد توجه مردم هستند». و افزود: «برخی از برخوردهایی که با آقای هاشمی در دوره‌های قبل توسط برخی از نزدیکان اصلاح طلب صورت گرفت نادرست بود. شأن و احترام بزرگان همچون آقای هاشمی همواره باید حفظ شود».

۹- دستجات گوناگون وابسته به جناح خامنه‌ای، جناح تمامیت خواه، اما نتوانستند در این انتخابات، به ویژه انتخابات شوراهای اسلامی، صف واحدی را تشکیل بدهند. شکاف و چند دستگی بین اینها، که پیش از انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری و در جریان آن آشکار شده بود- و نه تنها ترننده‌های «رهبر» و شورای نگهبان و سپاه و بسیج رژیم بود که توانست احمدی نژاد را به عنوان «برنده» انتخابات معرفی نماید- بعد از تشکیل دولت احمدی نژاد هم ادامه یافت و عملکرد خود این دولت هم موجبی دیگر برای تشدید اختلافات درونی آنها گردید. علاوه بر این، بی‌پایه بودن شعارهای «عدالت طلبانه» و وعده‌های فریبکارانه دار و دسته رئیس جدید جمهوری بر بخش بزرگتری از آنها بی‌فایده بود که به او رأی داده بود، آشکار گردید. در جریان انتخابات اخیر شوراهای اسلامی نیز فهرستی از طرف «اصولگرایان» (در تهران، شامل قالیباف و چمران و اکثریت شورای فعلی) برای شهرهای مختلف ارائه شده بود. اما دسته احمدی نژاد و یا گروه‌های امنیتی- نظامیهای دولت نهم، به این بسنده نکرده و در تلاش برای محکم کردن جای پای لرزان خود در رقابتهای درونی، لیست